

نصب بیت

آشنائی با قرآن ۶۱

بزرگتره - زلم

شراب: چون مبتدأ حبت لمار
خداوند در آیه ۹۰ مائده سوره ۵ میفرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَلْبَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوا لَعَلَّكُمْ تفلحُونَ

ای افراد با ایمان شراب قمار و بت و تیرهای ترعه پلید و از کارهای شیطانی است از آن اجتناب کنید تا رستگار شوید.

این دستور همان طور که می بینیم در سوره آمده است. سوره مائده آخرین سوره ای است که بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم وحی شده و در آن احکام زیادی وجود دارد و با آمدن آن دین

کامل شده است. آیه الیوم اکملت لکم دینکم در روز دین شما را کامل کردم. آیه ۳۳ این سوره است. لذا می بینیم که در سال آخر عمر پیغمبر دستور اجتناب و کنارگیری از خوردن شراب پستان داده شده. تحریم الکحل رفته رفته صورت گرفته. ایماکار از مکه شروع شده چون:

خداوند در آیه ۶۷ محل سوره ۱۶ میفرماید: مستی

مِن ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزًا حَسَنًا

از میوه درخت خرما و انگور شراب در روزی پاک میگیرید.

می بینیم که از خرما و انگور مردم هم روزی پاک میگیرند خرما و انگور و نیزه خرما و انگور و دیگر میگیرند هم روزی بد که شراب باشد که زائل کننده عقل است عقلی که کرامت بزرگی
پتان به آن است. در نتیجه از بین رفتن عقل نیرهای حیوانی انسان که برای افتد و جنایت و حیانت و صورت میگیرد و نفرت و عداوت می بارشده خودمانی میکند.

خداوند در آیه ۲۱۹ بقره سوره ۲ میفرماید:

يَسْمَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا الْكَبِيرُ مِمَّنْ يَعْتَمِدُونَ

در باره شراب و قمار از تو سوال میکنند بگو در آن دو گناه بزرگی و همچنین منافعی برای مردم وجود دارد ولی گناه آن بزرگتر از نفع آن است.

در این آیه می بینیم که هم از منافع این دو صحبت میشود هم از گناه آن ولی میفرماید گناه این دو بزرگتر از نفع آنهاست. تا سه سالان بخاطر اینکه خوردن شراب و قمار بازی

گناه دارد مقداری از آن اجتناب و کنارگیری کنید. در جامعه مقداری از نفع سوی این دو در امان باشد. چون میدانیم که این دو چه خاندان آئی را بباد داده و چه

جنایاتی بار آورده. میدانیم که تحریم مشروب وارد قانون اساسی ایران گاهم شد ولی چون بکاربرد و بدون مقدمه صورت گرفت نتیجه خوبی بیارنیا در دو حذف شد.

خداوند در آیه ۴۳ سوره بقره میفرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقْوَاهُ وَالصَّلَاةَ وَارْتَمُوا بِرَأْسِكُمْ وَسِجِّدُوا لِلَّهِ إِذَا سَجَدُوا أُولَٰئِكَ سَبِيلُ الْإِيمَانِ

ای فرزندان با ایمان دقتی مستحسبانه نماز نزدیک کنید تا بفرموده چه میگوید.

سلمان مطابق دستور این آیه خود را موظف میدیدند که دقتی مستحسبانه نماز بخوانند تا زمانی که بفرموده چه میگویند. در نتیجه برای اینکه همیشه با شدت و توانمندی بجزای خداوند مقدار زیادی از مشورت بخاری خود کم کردند و در زمینه برای حکم قطعی کردند آیه ۹۰ مایه آمده و آن را در اول کجفت دیدیم آماده شد.

ترجمه کنید و علت جواب آن را بیان کنید:

أَعِدُّو لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ مِنْ يَدِ الْكَيْفِ وَرَاءَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَدْعُوهُمْ بِيَوْمِئِذٍ وَعَدُّوا لِقَاءَ اللَّهِ كَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

وَمَا يَنْفَعُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ لَئِنْ لَمْ يَنْفَعُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَئِنَّ اللَّهَ لَإِلَهِ الْعَالَمِينَ

وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظُنُّونَ إِنَّ لَكُمْ مَوْمِنِينَ كَمِ مِنْ قَبْلِهِ قَبِيلَةٍ غَلَبَتْ قُوَّةَ أَيْمَانِهِمْ بِالَّذِينَ آمَنُوا

وَدَخَلُوا مَدَاجِلًا يَرْمُؤْنَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ فَكَانَ أُمَّةً قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا سَبِقَتْ وَأَنَّ مَا سَبِقَتْ لَهَا مَا سَبِقَتْ

وَأَلَّا يُولَدُوا لَهُمْ جَارٌ وَلَا يُولَدُوا لَهُمْ جَارٌ وَلَا يُولَدُوا لَهُمْ جَارٌ وَلَا يُولَدُوا لَهُمْ جَارٌ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَ مِنْكُمْ نَفْسًا وَجَاهًا وَذُنُوبًا وَآذَانًا وَبَشِيرًا وَنَجْوًى وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّابِرِينَ

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّابِرِينَ

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ

إِنِّي أَنَا الْإِنْسَانُ الْأَعْرَابِيُّ لَعَلِّي أَعْلَمُ الْغَيْبُ لَا تَشْفَعُونَ فِي الْغَيْبِ إِلَّا مَنِ اسْتَأْذَنَ مِنَ الرَّبِّ وَقَدْ كَفَرْتُمْ بِآيَاتِهِ وَرَبِّكُمْ

وَيَقُولُونَ مَا لَئِنْ آتَانَا مِنَ الْقُرْآنِ كَمِثْلِ الْقُرْآنِ الْأَوَّلِ قُلْ لَئِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

سوره بقره ترجمان

آشنائی با قرآن ۶۲

خداوند در آیه ۳۶ سوره مائده میفرماید:

أَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا. وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ

وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ

همایه:

یتیمان

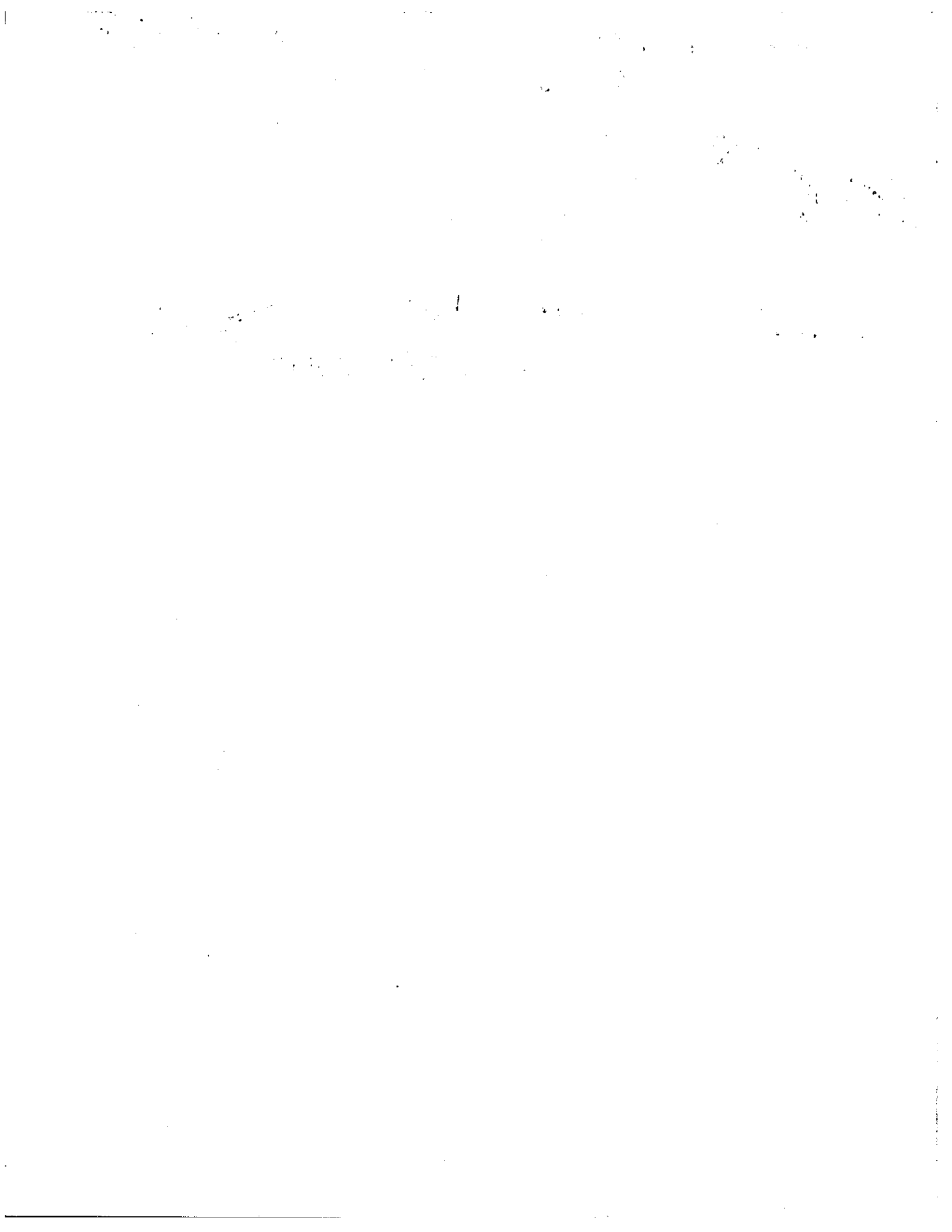
آئینان = مسما و دست راست

جَار = همسایه
اللَّهُ را بندگی کنید. در پدر و مادر و خویش و یتیمان و

کما مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ

و همسایگان و در راه ماندگان و در راه ماندگان و در راه ماندگان و در راه ماندگان

این دستور صریح خداوند است و مسلمان واقعی که تسلیم احکام و نظریات خداوند است این دستور را از صمیم قلب انجام میدهد و فقط الله را بندگی یعنی اطاعت بدون چون و چرا میکند و فقط در مقابل خداوند حس و دلبستگی و محبت میکند. چون میدانند خداوند او و جهان را آفریده و از قوانین جهان و طبیعت آن اطلاع کامل دارد و در راهنمایی های خود شبانه بیدار و بیدار است و نمیخواهد آن را فریب دهد. چون فرد محتاج و ضعیف در صدد فریب دیگران برمی آید و خداوندی که جهان را آفریده نه ضعیف است نه محتاج. لذا از دستوراتی خداوند با اطمینان خاطر پیروی میکند در این پیروی کسی را شریک خداوند نمی سازد یعنی از دستوراتی شخصی زمان دیگری در صورتی که برخلاف دستور و نظر خداوند باشد اطاعت نمیکند. و میدانند برای این کار باید تا آنجا که میتواند تکلیف افراد بشر را با حقایق دین و هدف بزرگ آن آشنا کند و با افراد بفرماند که دین خواستار سعادت بشر است و سعادت بشر فقط در سایه دین واقعی تأمین میشود. چون دین آمده تا انسان را دنیائی بسازد که در آن اثری از ظلم و فساد و فقر و جهل و خرد شدن شخصیت آن نباشد. و میدانند آن طبعاً میخواهند هر کاری که خواهند بستند و بچسبند ایرادی بکار آن ندارند هر دستوری که دادند مطابق درخواست آنها عملی شود. و فقط در سایه دین و ایمان به الله و مسئولیت آن، افراد بشر بتوانند این خواست درونی و طبیعی خود را برآورند و بس. می بینیم که در این آیه آیات دیگری خداوند دستور می دهد به دیگران را به آن میدهد. مسلمان واقعی که از کتاب دینی خود یعنی قرآن اطلاع کامل دارد میدانند که حسن پدر و مادر در کنار دستور «خدا را بندگی کنید» آمده است به آیه ۸۳ بقره، ۱۵۱ نعام، ۲۳ ابراء و ۱۵۳ نعام نگاه کنید. خداوند در کنار این پدر و مادر و خویش و ندان و یتیمان و در راه ماندگان در این آیه به یکی به همسایگان نیز دستور میدهد. در یک جامعه اسلامی واقعی انسان به همسایگان یکی میکنند و باعث ناراحتی همسایگان خود نمی شوند. و افراد از دست همسایگان خود راحت خواهند بود و روی آسایش را خواهند دید.



آشنائی با قرآن ۶۳

جہاد:

از دلالت میآید

خداوند در آیه ۱۰ تا ۱۳ صفحہ ۱۶ میفرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَجَارٍ مَّخِيَّةٍ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ؟

ای افراد با ایمان آیا من را به جگه‌ای که شما را از عذاب الهی در دناک نجات دهد راهنمایی کنم؟

تَوَمَّنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجَاهِدْ دُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ. ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.

به الله و پیغمبرش ایمان بیاورید و با مال و جانتان در راه الله جها د کنید. اینکار برای شما بهتر است، اگر حقیقت را بدانید.

ذنب
گناه

لَعَنَّا لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَفَعَلْنَا جَنَاتِ بَحْرِيٍّ مِّنْ حَيْثُهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ. ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.

حقیقتی

گناهان شما را لعنت کردیم و شما را در بهشتی قرار دادیم که نه از آن روان است و منزل آبی پاک در بهشت وجود دارد. این موفقیت بزرگی است.

وَأَخْرَجْنَا مَجْنُونَهَا، نَصْرًا مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحًا قَرِيبًا. وَلِنُشِرَ الْمُؤْمِنِينَ.

مصدرها مؤمنان حسنه

چیز دیگری که آن را دوست دارید، یاری الله و پیروزی خود پس. این است رایت با افراد با ایمان بده.

در این آیات می بینیم که خداوند به افراد با ایمان هم وعده پاداش دنیوی میدهد هم پاداش اخروی. ولی شرط اصلی آن دو چیز است یکی ایمان به خدا و پیغمبرش دیگری

جهد با جان و مال در راه خداوند. یعنی کوشش در راه بخش دنیائی که در آن اثری از ظلم و فساد و فقر و جهل و فساد و خرد شدن شخصیت انسان در مقابل بت های ساخته شده است.

دقیق کسی ایمان به خدا و پیغمبرش داشته باشد میداند که حرفائی که پیغمبر بنام وحی میزند از خودش نیست و از خداست که جهان و آن را آفریده و از حقایق و قوانینی که در جهان

وجود آن گذشته بخوبی اطلاع دارد و در راههای (یعنی نشان دادن راه صحیح) چهار شبهه نمیتورد. لذا چنین فردی با ایمان کامل به صحیح بودن راه در راه بخش دنیائی

پاکتی که خداوند پیغمبران را برای آن فرستاده جهاد و کوشش میکند. چون میداند خداوند در آیه ۲۵ حدیث صوره ۵۷ میفرماید: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا

مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ، لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ. «پیغمبران را با دلیل های روشن و کتاب میزان فرستادیم برای اینکه مردم عدالت را بسازند (بازند)» محال باشد

وحی کنند که دیگران نیز محال باشد و دنیائی باشد که در آن اثری از ظلم نباشد. در آیه ۸۸ صوره ۱۱ از قول شعبان میفرماید: إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ

مَا اسْتَطَعْتُ. «چیزی غیر از اصلاح نمیخواهم. آنهم تا جایی که از دستم برآید» و در آیه ۲۴ و ۲۵ صوره ۷ میفرماید: فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِلنَّاسِ وَالْمَعْرُومِ

در در اول آنها نماز گزاران) حتی معلومی برای سال محرم وجود دارد. در آیه ۲۶ اسراء سوره میفرماید: **لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ**. «از آنچه نمیدانی
 دنباله روی نکن.» در آیه ۶۴ آل عمران سوره میفرماید: **قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَسَاءَلُوا إِلَىٰ أَلْتِ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ، وَلَا نُشْرِكَ بِهِ
 شَيْئًا، وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ.** «خو: ای اهل کتاب ای دینداران جهان، بیائید روی کلیه ای که پس ما و شما مساوی است همکاری کنیم. که فقط
 بندگی الله را بکنیم (بندگی یعنی اطاعت محض بدون چون و چرا از هیچ کس و هیچ زمانی غیر از خداوند نکنیم) و چیزی را در کنار شریک او نریزم (بند و طمع محض همگین جز از بنیم)
 و بعضی از ما بعضی را غیر از خداوند ارباب و صاحب اختیار خود نگیرند.» لذا مسلمانی که سعادت خود را خانواده و کلیه افراد بشر را در اطاعت از خداوند و سخن یک دنیای پاک
 میدانند با تمام جان و مال خود در راه سخن یک دنیای پاک جهاد و کوشش میکنند. چون از نظر خداوند مومن واقعی کسی است که با جان و مالش در این راه کوشش و جهاد میکند.

همانطور که در آیه ۱۵ احزاب سوره ۴۹ میفرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، قُمْ لِمُزَابِئِكُمْ وَأَوْجَاهُكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ، أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ.** «مومنین واقعی کسی هستند که به الله و پیغمبرش ایمان آورده اند، بعد هم جهاد میکنند، و با مال و جانشان در راه الله
 سخن یک دنیای پاک جهاد کردند. چنین افرادی راست میگویند.» وقتی میگویند ایمان داریم راست میگویند و واقعاً به خداوند و پیغمبرش ایمان دارند. چون در راه
 سخن یک دنیای پاک که خداوند پیغمبرش را برای آن فرستاده و برای تأمین سعادت بشر با مال و جانشان جهاد میکنند.

می بینیم که در آیه ۱۲ صف خداوند وعده پادشاهی فردی به چنین افرادی میدهد و میفرماید: پادشاهی آنها «بهشت جاوید» و «منزل های پاک و درخشند
 جاوید میباشد. در آیه ۳۳ پادشاهی دنیوی آنها را بیان میکند و میفرماید: «قع و پیروزی زد و درسی خواهند داشت» خداوند در آیه ۵۵ نور سوره نیز این وعده را
 میدهد چون میفرماید: **وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ، لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ، وَلَيُمَكِّنَنَّ
 لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ، وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا، يَعْبُدُونَنِي، لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا. لَا اللَّهُ بَدَلُكَ فِي الْأَرْضِ إِنَّهُمْ كَانُوا مُتْرَكِينَ**
 و صحیح بکنند وعده داده است که آنان را در زمین جانشین قدرت موجود بکنند همانطور که کسی که قبل از آنها بودند جانشین قدرتهای قبل از خود کرد؛ و دینی که برای آنها
 پسندیده به قدرت برسد و حاکم بر اجتماع کند در زمین را به امانت خاطر تبدیل کند. تا امر بندگی کنند و بنده همگین هیچ چیز غیر از من نباشند.» میدانیم که خداوند این
 وعده خود را خیلی سریع انجام داد و در عرض چند سال اسلام را حاکم بر عربستان کرد و در عرض ۱۵ سال اسلام را بر قدرتهای زمان خود یعنی بر ایران و روم شرقی و مصر
 پیروز کرد. اگر مسلمانان باز در قعاسان تسلیم حکم خداوند باشند آنها را بر قدرتهای زمان پیروز میکنند و دینی که درین میزاهد خواهند داشت. وعده خدا حق است

آشنائی با قرآن ۶۴

جنگ: قتال:

عزیمه را سوار کرد

خداوند در آیه ۴ صف سوره ۹۱ میفرماید:

المنفص = قلع

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفَاءً كَانَهُمْ بَنِيانٌ مَرُوضُونَ.

اللَّهُ كَفِي رَادُوت دَارِدُك دَر رَاه اُو مَتَمَدَا مِثْل سَتُونِي آهِنِين مِجْمَعِنَد.

نگاهی به جهان امروز، وضع جهان در قرن ۲۰، بیندازید تا ببینید در این قرن ۲ جنگ جهانی در مرکز اروپا واقع شد و بقول در جنگ دوم ۴۵ میلیون انسان کشته شد. چه خانه خراب شد چه اندازه معلول بجا گذاشت بجای خود. در همه آخر قرن ۲۰ در اروپا صربها با کرواسی، بوسنیاء، کوسوو و مقدونیه چه کردند. در افریقا چه قتل عام فی صورت گرفت در افغانستان چه خراب است. قانون جنگل در قرن ۲۰ بر جهان حکومت میکرد و هنوز هم حکومت میکند. «حق با قوی است» که قانون جنگل است در تمام طول تاریخ بر جوامع بشری حکومت کرده و میکند. تا مردم واقعا دیندار واقعی و عادل و محترم نشوند این قانون بر جهان حکومت خواهد کرد. دین واقعی که خواستار خلق دنیائی است که در آن اثری از ظلم و رولت و جمل و خرد شدن شخصیت انسان نباشد، نه تاکید بر تأمین سعادت واقعی انسان است. انسان طغیانگرو طغوت است مگر اینکه واقعا دیندار باشد. چون خداوند در آیه ۶ و ۷ علق سوره ۹۱ میفرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَاطِغِي، أَنْ رَأَاهُ اسْتَكْبَرَ». «ان چون خود را بی نیاز ببیند، غما طغیان میکند»

خداوند در آیه ۱۷ بقره سوره ۲ میفرماید:

زال = زوال برده

لَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِيَارِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا.

همیشه با شما میجنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند.

طغوت و طغیانگرانی که در اثر بیداد آوردن قدرت میخوانند هر کلمه که خوانند بکنند در دستور که دادند مطابقی درخواه آنها عملی شود، دین را که خواستار عدالت و حفظ حقوق انسان است همیشه سواره خود دانسته میدانند. لذا امضای گفته علامه طباطبائی در صفحه ۷۴، ۷۵ کتاب «اسلام و جنبات واقعی عصر» «به است یقعه مزدور ماده پرست که مورد ارادت عامه مردم بودند، فکر واقع بینی و حقیقت شناسی را از مغز ایشان بیرون کشیده و با تزریق تلقین یک بسته افکار دست و پا می‌نویسند اثر مرکز مغز مغز... اگر اچنان کسی دیکانی (سر بلند کرده و باندای و جلال نامی از حقایق قرآن به زبان می آورد با متعجب به دم شمشیر و چوبه دار و شمشیرهای که در کتب زندانهای تاریک در انتظار آنان بسر میبرد موقوف میشد. این احقاقی است که هیچ مورخ مضعفی نمیتواند برده به رویش بکشد»

بنابرین دینداران واقعی در راه پیش دارند. با تسلیم حکم و نظر طاغوت و دیگران توران و دار و دسته آنان و زوروران ماده پرستی که مورد ارادت مردم هستند بشوند و از زمین خود دست بکشند، یا عاقلانه در حفظ دین واقعی بکوشند سعی کنند آن را به مرحله عمل در آورند تا آنان را بنده و مطیع محض همیکن و هیچ سازگاری نشوند. برای انجامار باید که دینداران جهان را با حقیقت دین آشنا کنند و آنها را متوجه سازند تا نیروی لازم برای جلوگیری از یکدمازی این جنایکاران هموی پرست و خیانکاران بوجود آورند. چون خداوند در آیه ۱۰۵ آل عمران میفرماید:

خداوند در آیه ۱۹۰ بقره سوره میفرماید:

وَأَتْلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَكْفُلُونَ نَفْسَهُمْ وَلَا تَعْبُدُوا
 در راه الله با کسی که با شما میکنند بکشید ولی بجای نکشید
 کلمه رحم رحا همی بعد از فعل
 مفعوله
 باب انتقال
 از تعدی میاید = تجاوز

مسلمان واقعی فقط در راه الله یعنی سخن یک دنیای پاک میکنند در راه حکم سخن پایه های حکومت دینداران و ذریکاران و بسط ظلم و جور است. راه الله سخن یک دنیای پاک است که در آن از ظلم و فقر و جمل و خرد شدن شخصیت آن ها اثری نباشد. سخن چنین دنیائی محتاج به واقع بینی کامل دارد. چون با مصالح پوشیده نمیتوان یک سخنان محکم ساخت و با افرادی که جز هوئی پرستی و قدرت طلبی و امتیاز برتری جوئی برف آرزویی ندارند نمیتوان یک دنیای پاک ساخت و با کسی که از دین

جز بیک بت الله دست و پا می آرد و جی اثر ۱۱ چیزی نمیدانند و در شرافت و آداب دروس خلی غرق شده اند نمیتوان دنیائی که مورد نظر دین است ساخت.

آن، کن در کس
 که، حتی، ف، حاضر را مضمون میکند
 خداوند در آیه ۱۹۳ بقره سوره میفرماید:
 فَأَبْلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ
 تا آنها بکشید تا اینکه توطئه ای باقی نماند و دین و قانون فقط به الله اختصاص داشته باشد.
 سوره شمس مؤمنان است بجای پر که خلیله
 تذکر

این جنب و مبارزه امروز جنب کرم و سلاح های آتشین و سردار نیست. این جنب امروزه باید بصورت تعلیم و آموزش حقایق دین و حقایق زندگی انسانی صورت بگیرد. این جنب، جنب حق و باطل، جنب کفر و راه صحیح با کفر و راه غلط است. این جنب، جنب مبارزه با جمل و نادانی و تعصب های بچکانه است. در این جنب باید از کلیه وسائل ارتباط جمعی و آموزشی استفاده کرد. باید از بروشور، پوستر، کتاب، روزنامه، مجله، فیلم، سینما، تئاتر، رادیو، تلویزیون، اینترنت، شعر، موسیقی آواز، کلاس درس، مدرسه، کورستان، رستان، دره و انبساطی، دبیرستان، دانشگاه، و هر چه که در این راه میتواند استفاده کرد سود برد.

آشنائی با قرآن ۶۵

جلب منافع و دفع ضرر:

خداوند در آیه ۱۸۸ احزاب صوره ۷ میفرماید:

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا، إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ

بگو: من مالک نفع و ضرری برای خود نیستم، مگر آنچه الله بخواهد.

از مس سید

وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَا مَسْتَلْتُمْ مِنَ الْحَيْرِ وَمَا مَسَّنِي السُّوءُ

از بدی

این دو تا با هم سینه ماهی است
استراری سیدانتم

اگر غیب میدانستم نیز نفع بیشتری را جلب میکردم و بدی را سببی بمن نمی رسید.

إِنَّا أَنَا الْأَنْذِرُ وَالْبَشِيرُ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

انذار = نذار = ترساندن

من فقط هشدار دهنده و ترساننده ای برای افراد با ایمان هستم.

این طبیعت بنی است. بن مثل هر موجود زنده ای میخواهد در طول زندگی خود نفع و لذت بیشتری بر ذوقش ضرر کند و زحمت کمتری بکشد. نفع تنها در پول و ثروت نیست. بن پول را برای لذت بردن از زندگی میخواهد. بن پول را برای لذت بردن از زندگی خرج میکند. بن پول را خرج میکند که لذت برد و راحت باشد. بن پول را خرج غذا و لباس و مسکن و همسر و فرزندان خود کند. بن با چیزهایی که دوست دارد میکند. پول وسیله لذت بردن و راحت بودن است. بعضی ها وسیله را با هدف اشتباه کرده اند و هدف آنها در زندگی فقط پولی و ثروت بیشتر است. بقول آیه ۳۰۲ همزه صوره ۱۰۲: الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ. يُحْسِبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ. در کسی که مال را جمع کرده و حساب مقدار آن را کرده. خیال میکند که مالش عمر جاوید به او میدهد. اینطور که فکر میکند نیست بلکه این پندار و تصور زندگی را برای او بصورت جهنم در آورده است. سعادت و خوشی بن در یک مجموعه است. سعادت بن در این است که در جانی سرسبز و زیاده فروخ افزا زندگی کند و در دنیای صمیمی دیگر تنگ و فدا کار درگذشت داشته باشد. هر قدر دامنه آنها بیشتر باشد بیشتر لذت میبرد. اگر در شهری سرسبز و فرخ بخش زندگی کند بیشتر لذت میبرد تا در خانه ای یا محله ای سرسبز و پر از پول دنیا. در خانه های زیبا زندگی کند. و اگر در کشور یا در جهانی سرسبز زندگی کند بیشتر لذت میبرد. چون زیبایی و سرسبزی فرخ بخش است. دیدن آن های مریض و بچرخ و خانه های مخروبه و حیواناتی که کتیف ناراحت کننده است. دیدن حیوانات مریض و کورنده آن را ناراحت میکند چه بسا بن آن های مریض و کورنده. این طبیعت آن است. بن آن هم در آن آن تر مودب تر. عادل تر، هنرمند تر، دانشمند تر باشند آدم از دیدن آنها و همچنین با آنها بیشتر لذت میبرد. هر قدر امنیت خاطر بیشتری باشد آن از زندگی بیشتر لذت میبرد.

و بین واقعی بخوابد دنیا بی بزد که در آن از ظمروف رونق و جمل و خرد شدن شخصیت آن با اثری نباشد. سعادت واقعی آن در روشن چنین محیطی است که همه دیگران را برادر درود و ستودار و بخوار خود ببیند و از طرف بیچسب حس خطر و خجاستی نهد. و همه با مال و جانش آن در راه سخن چنین دنیا بی کوشش کنند. سخن چنین افرادی چنین دنیا و چنین محیطی چنین به توجیه سخن تمام افراد به این امر است. لذا افراد دنیا در وقتی سعی میکنند تا آنجا که بتوانند تمام افراد جهان را متوجه این هدف و این وظیفه دینی و دنیایی بکنند. نفع واقعی آن در سخن و وجود آوردن چنین جهانی است و دنیا را آن واقعی وظیفه دارند با حکمت و بصیرت و با بهترین روش دیگران را متوجه این

حقیقت بکنند. تا بتوانند با همکاری افراد بیشتری زمینه بوجود آوردن چنین دنیا بی را فراهم کنند. کارها در این است و بی هر قدر تعداد همفکران زیاد تر شود کار آسان تر میشود. دنیا در وقتی میداند پیروی از دستورهای دین واقعی که چندان زیاد نیست باعث سعادت دنیا و آخرت شخص است. چون آن با پیروی از دستورهایی واقعی دین چنین

دنیا بی میبازد سعادت اخروی خود را نیز در اطاعت از دستورهایی خداوند تأمین میکند. چون دنیا در وقتی مطیع آیه ۲۰۱ بقره میگردد: **وَبُنَا بِنَاتِنَا مِنَ الدِّنْيَا حَسَنَةً** **دِنِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا. وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ.** «محب خجاستار (طایفک). خداوند کارام در دنیا و آخرت وضع خوبی

باید و ما را از عذاب آتش جهنم حفظ فرما. چنین افرادی بهره ای از کارهایی که کرده اند دارند. و حسب مری **اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ**. «اما مردم جاوید با دست خود رسیده بدستی خود دیگران را فراهم میکنند. چون بنده چیزها و ک نی میشود که نفع و ضرری واقعی برای آنها ندارد و سعادت واقعی آنها را تأمین نمیکند. همانطور که آیه ۱۸ بقره آمده ۱۰۰ آیه ۵۵ قرآن

سوره ۲۵ میفرماید: **لِيُعْبَدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ.** «غیر از بندگی خدا بندگی چیزی را نمیکنند که نفعی برای آنها ندارد و ضرری به آنها نمیزند.» همانطور که ابراهیم در آیه ۶۶ و ۶۷ انبیاء سوره ۲۱ گفت: **أَفَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ؟ أَفَلَمْ يَكُنْ مِنْ دُونِ**

اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؟ «آیا غیر از الله چیزی را بندگی (اطاعت بی چون و چو) میکنند که ذره ای برای شما فایده ندارد و ضرری به شما نمیزند. اف بر شما در چیزی هستی که غیر از الله می پرستید. آیا عقل ندارید و عقل خود را بکار نمی اندازید؟» که گوی فکر کنید و درک کنید که راهی که میروید محظوم است و راهی است که بدان بی اطلاع و نادان شما

میرفتند و فریبکاران برای دکان خویش بندگی آنها را به پدران شما تلقین کرده بودند. آیه ۷۶ مائده به کسی که میگوید را خدا یا کسی از مسخدا امید نشوند و از ادب بی سخته بودند میفرماید: **الْعَبِيدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ؟ وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.** «آیا غیر از الله کسی را عبادت (بندگی) میکنند که مانع ضرر و نفعی

برای شما نیست. در صورتیکه الله شنوا و داناست. در آیه ۱۳ و ۱۴ حج سوره ۲۲ میفرماید: **يُعْبَدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ. ذَلِكَ سُبُوحُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ** «غیر از خدا (الله) چیزی را به حکم میخوانند ضرر و نفعی برای آنها ندارد. (اینها) اگر برای زیادای است. کسی را به حکم میخوانند که ضررش نزدیک تر از نفع آن است.»

آشنائی با قرآن ۶۶

تذکیر نفس

خداوند در آیه ۲ جمعه سوره ۶۲ میفرماید:

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ،

خداوند کسی است که در بین مسوا دان رسولی از خویشان برانگاشت،

يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ، مصارف الزاری
یا اخباری

تا آیاتش را بر آنها بخواند و آنها را پاک سازد و کتاب و حکمت را بر آنها بیاموزد،

وَأَنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.

آرزوی قبل از آنکه در گمراهی آشکاری بودند.

خداوند مطابق آنچه در آیه می بینیم نیز بر مردم مس را برای این فرستاد که به مردم کتاب و حکمت بیاموزد. آیا منظور از یاد دادن کتاب این است که مردم طرز تلفظ صحیح آن را یاد بگیرند؟ این را که خود بخود باید بدوند و تکیه بر ایشان کار ندارد و زبان غربی اصیل بود. بلکه منظور از تعلیم کتاب تعلیم احکام و نظریاتی خداوند بود. لذا مسلمان واقعی قرآن را برای این یاد میگیرد که از دستورهای خداوند اطاعت پیکار کند و راه صحیح زندگی را بشناسد و از آن پیروی کند. حکمت و دانش دقیق میباشد. منظور که خداوند پس از اینکه در آیه می

۲۲ تا ۳۸ سوره اسراء ۲۳ دستور به آن میدهد در آیه ۳۹ آن میفرماید: ذَلِكُمْ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ

مَلَكُومًا مَدْحُورًا. «اینها از حکمت الهی است که صاحب اختیار بتو وحی کرده. یا الله (خداوند) معبودی دیگری برای خود قرار نده چون ملامت (سرزنش) شده در آنده

به جهنم خواری افتاد.» لذا مسلمان واقعی قرآن را بخواند تا از حکمت در آنها الهی الهی آن استفاده کند. ولی در مورد تذکیر باید توجه داشت که تا افزایش خود را تذکیر نماند یعنی خود را از

افکار و اعمال غلط پاک نماند و غیرتواند در نیامی باکی که درین میجو اهل بازند. چون میدانیم هدف اصلی دین مس این است که درین دنیا از ظلم و فساد و فحشاء و غیره شستن شخصیت

این باشد. ولی میدانیم که شیطان مطابق آیه ۳۹-۴۰ سوره اسراء میخواند: رَبِّ اجْعَلْنِي لَأَزِينٌ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا تَجْعَلْنِي لِمَنْ يَخْلَعُونَ

«خداوند امانگاه صاحب اختیار را چون مرا به تشبیه اندامی کارهای زشت را در زمین پیش از نماز زینت میدهند و زیاده میگویند و همه آنها را بجز خداگان خالص تو را فریب میدهند و به

تشبیه می اندازم.» بنده خالص کسی است که از دستورهای خداوند دقیقاً اطاعت در تشبیه است و از آنها پیروی کند. یعنی از کتاب الهی خود دقیقاً اطاعت در تشبیه است و او را الهی قوی در تشبیه است

تا پسر بر او ای نفسی در سوسه های شیطانی بگذارد و تورا و نظری خداوند را بکار بندد تا پادشاه خداوندش مله اش شود و در دنیا و آخرت سعادت نمند گردد. چون خداوند در آیه ۱۰۷
شمس سورہ ۹۱ میفرماید: **وَأَنْفُسٍ وَأَمْسَانٍ، فَاتَمَّهَا فُجُورًا وَتَقْوَانًا، قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَيَّنَّهَا، وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْنَهَا.** «قسم به وجود خود آدم و آنچه آن را ساخت، و
بدکاری و تسلط نفس را به او الهام کرد، که هر کس نفس را از فجور (بدکاری) پاک کرد موفق در شمارش است، و کسی که آن را آلوده کرد زیانکار شد.» آیه ۲۱ نور سورہ ۲۴ میفرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ؛ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْعُرْيِ وَالْمُنْكَرِ. وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا كُنْتُمْ مِنْ أَحَدٍ

أَبَدًا. «ای افراد با ایمان! ای کسی که پیروی از شیطان میروی نکنید. کسی که از راه های شیطان میروی در آن راه آن گناه میگذری میروی کند
بداند که شیطان به کارهای زشت و نادر الهام میکند. اگر فضل و رحمت الله (راه نالی های او) بر شما نبود هرگز یکی از شما تا ابد پاک نمی شد.» آیه ۱۸ فاطر سورہ ۳۴ میفرماید: **لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ**

وِزْرَ أُخْرَى؛ وَإِنْ يَدْعُ مَعَدَّةَ الْحِمْلِ، لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ، وَلَوْ كَانُوا قُرْبَىٰ أَوْ نِسْرَىٰ. إِنَّا نُزِدُ الْقُرْآنَ بِاللَّيْلِ وَالنَّجْمِ بِالْغَيْبِ، وَأَنَّا نُمَوِّدُ الصَّلَاةَ. وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّا

نُزِّلُ إِلَيْهِ الْمَاءَ الْغَيْرَ الْمُبِينِ. وَاللَّهُ الْمُبِينِ. «چشمک بارانگاه دیگری را بر نمیدارد؛ اگر کسی که بارش سنگین است دیگران را بر خیزد که از قوم خویش های او باشد برای اینکه مقداری از بارش
را بردارد به تنگ نخواهد کسی آن را بر نمیدارد، آنچه از قوم خویش های او باشد. تو خفا کنی را که از صاحب اختیارش از سهم قلب بترسد که چنان روزی بر خیزد میداری. هر کس
خود را از آلودگی پاک کرد بفتح خودش (اینگار کرده. بازگشت همه برای رسیدگی به جانشان به پیش الله است.»

میدانیم که هرگاه ای نفسی در سوسه های شیطانی خیلی زیاد و قوی است و انسان خیال با ف و خیال پرور است. در عالم خیال هر کاری که بچسبند آن باشد برای او
ریند پرور در با است. و آن بنده دل و دخواه و خیال و تصورات خویش است. انسان با کمر به حقیقات واقعی خود فکر میکند و بیشتر در عالم خیال سر میگرداند.

برای تزکیه نفس انسان اول باید تقسیم کرد که پاک زندگی کند. آن موقعی این تقسیم را میگرداند که نفع خود را در آن ببیند. آن با ایمان که به خداوند آخرت و بهشت
و جهنم ایمان دارد نفع خود را در این می بیند که پاک زندگی کند به لذت های مشروع که خارج از حساب و شکر آن است قانع باشد و حقوق دیگران تجاوز نکند. و میدانند اگر در یک مرتبه

از علوم و حرفه و دانش عمل دارد باشد معیشت از جنبه بیشتر از آنچه برای رسیدن به این لذت لازم دارد برسد. (بشرط آنکه هر خیالی باقی نماند. تا آنجا باید انسان همیشه این تقسیم خود را بیاید
و هسته باشد خداوند برای این یاد آوری دو سوسه را به است آن داده می نماید یکی ذکر (یعنی یاد خدا بودن) تا انسان باید اراده ای قوی برای عملی کردن این فکر خود داشته باشد
خداوند برای اینکار یک ماه روزه گرفتن را برسانان و پس کرده تا با طبیعتی ترین و ضروری ترین خواست های خود مبارزه کند تا بتواند حدودی خواست های غیر طبیعی یا غیر ضروری خود بایستد.

و با این باید از لذت بهر خواست پاک کنی داد و بکارهای بد و سوسه میگذرد خود داری کند. خداوند برای اینکار مسجد را قرار داده که افراد با ایمانی که میخواهند پاک باشند در آن جمع شوند.

آشنائی با قرآن ۶۷

نماز:

سماحی همیشه آفرین ^{داره} خداوند در آیه ۴۵ عنکبوت سوره ۲۹ میفرماید

أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَحْمِ الصَّلَاةَ؛
إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛
وَلَذَكَرَ اللَّهُ الْأَبْرَارَ.

آنچه از قرآن بتو وحی شده، بخوان و نماز را پاسدار؛

چون نماز از کارهای زشت و ناپسند جلوگیری میکند؛

و شما ذکر خداوند (الله) بزرگتر است.

جمع صلوات یعنی درودم

کلمه صلوة (نماز) ۶۸ بار و جمع آن صلوات ۵ بار در قرآن آمده است. ۲۷ بار صلوة (نماز) در کنار زکات ذکر شده، که ۸ بار آن بصورت فرمان

اقموا الصلوة و اتوا الزکوة (نماز را برپا دارید و زکات بدهید) آمده است و ۷ بار با اتفاق (خروج کردن در راه خداوند) آمده است.

امام باقر ع در حدیث ۲ صفحہ ۱۱ خبره و سأل الشیخ (کتاب زکوة) میفرماید: **إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَرَّمَ الزَّكَاةَ بِالصَّلَاةِ؛ قَالُوا: «اقْمُوا الصَّلَاةَ**

وَاتُوا الزَّكَاةَ» فَمَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَلَمْ يَتَّزِجْ الزَّكَاةَ فَكَأَنَّهُ لَمْ يَقِمِ الصَّلَاةَ. «اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى زَكَاةَ رَأْيَا نَمَازَ قَرَارَادَه؛ وَفَرُودَه» نماز را برپا دارید

و زکات بدهید. بنابراین کسی که نماز را برپا دارد و زکات ندهد مثل این است که نماز هم نخوانده است. «چون ایمان و عمل کردن بعضی از احکام و عمل نکردن بعضی از احکام

ایمان نیست و کفر است» **بِهَا تَطَوَّرَ خَدَا وَنَدَّرَ آيَه ۵۱ لَعْنَه مِيفَرَايِد: اَلتَّوْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَلْفِرُونَ بِبَعْضٍ؟ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ**

الْآخِرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَرُدُّونَ إِلَىٰ أَسْفَدِ الْعَذَابِ. «آیا بگفتی از کتاب ایمان می آوری و قسمی را قبول ندادی؟ جزای

کسی از شما که چنین کاری کند در دنیا توبه است و در آخرت چهار شدیدترین عذاب است» آیه ۳۸ تا ۴۷ سوره بقره ۷ میفرماید:

وَمَا نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ، إِلَّا أَصْحَابُ الْإِيمَانِ، فِي جَنَابٍ يَلْسَأُونَ لَوْلَا، مِنَ الْمُجْرِمِينَ، مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ؟ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ

الْمُصَلِّينَ، وَلَمْ نَكُ نَطْعَمِ الْمَسْكِينِ، وَلَمْ نَخُوضْ مَعَ الْخَائِصِينَ، وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الرِّينِ، حَتَّىٰ آتَيْنَا الْيَقِينَ. «هر کسی بود که از ایمان خشنود

غیر از اصحاب خوشبخت است راست که در بهشت استند و از گناهکاران سؤال میکنند که چه چیزی شمار را به جنت برد؟ آنها میگویند: ما نماز نمیخواندیم و با افراد سیدیت غذا نمیخوردیم و با افرادی که غرق در افکار باطل بودند بودیم و سخن بازی میکردیم (و فکر روز قیامت بودیم تا موقعی که یقین برای ما حاصل شد)»

خداوند در آیه ۱۴ طه سوره ۲۰ - موسی ع میفرماید: **إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي**. «من الله هستم معبودی که کسی نبوده و مطیع بدون چون و چوای او باشی در مخالفتش احساس دلبستگی و کجی حقارت کنی، غیر از من وجود ندارد. بنا بر این فقط بندگی مرا کن و نماز را برای اینکه یاد من باشی برپا دار.» آیه ۳۱ و ۳۲ روم سوره ۳۰ میفرماید: «براه خدا برگزید و از نافرمانی او اجتناب کنید و نماز را برپا دارید و از مشرکین که دینشان را فرقه فرقه کردند

در رسته میروند بگریزند (نه) تا بشید که هرگز آنها را عقاب خود نخواندند.» آیه ۱۴۲ سوره ۴ میفرماید: **إِنَّ الْمُنَافِقِينَ كَجَاهِلُونَ أَلَّهُ وَهُوَ كَذِبٌ عَالِمٌ** و **وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَىٰ يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يُذُكِرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا**. «انفرد منافق بعبودیت خودشان الله را فریب میدهند در صورتیکه

خدا آنها را فریب داده (چهارشنبه، هفته) وقتی به نماز برمیخیزند با بی میلی برمیخیزند. در مقابل مردم خود خائنی میکنند. (نظا هر چه دیداری میکنند) و جز مقدار کمی خداوند را یاد نمیکنند.» آیه ۱۹ تا ۲۳ معارج سوره ۷۰ میفرماید: **إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلْقًا هَلُوعًا إِذْ أَمَرَ التَّشْرِيحَ دَعَا، وَإِذَا مَسَّهُ الْكُرْحُ مَنُوعًا، إِلَّا الْمَصْلِينَ، الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَاعُونَ**.

«انسان حرص دینی تاب آفریده شده. وقتی تشریح به او برسد بی تاب میگذرد و وقتی کوری به او برسد از رساندن آن بدو بگریزان خودداری میکند؛ مگر نماز گزاران که پیوسته نمازشان را میخوانند.» آیه ۳ تا ۷ معارج سوره ۷۰ میفرماید: **قَوْلِ الْمَصْلِينَ، الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَاعُونَ**.

«وای بر نماز گزارانی که از نماز خود غفلت میکنند و نماز را برپا (برای دیدن مردم) میخوانند.» آیه ۳ تا ۷ معارج سوره ۷۰ میفرماید: **فَإِذَا الضَّمِيرُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ حِينَ مَآءٍ وَقُودًا وَعَلَىٰ حُوبِكُمْ. فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ. إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّتْوَعًا**. «وقتی در جنبه

جنب نماز داشتند خوانید الله را ایستاده، نشسته و یک پیلودار کشیده ذکر کنید. وقتی اطمینان و آرامش پیدا کردید نماز را برپا دارید. چون نماز در وقت نامی معین خود بر افراد با ایمان واجب شده است.» آیه ۲۳۸ و ۲۳۹ بقره میفرماید: **حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ، وَتُؤْمَرُوا إِلَيْهِ قَانِتِينَ. فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا، فَإِذَا أَمِمْتُمْ فَأِذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ**. «مواظب نماز و نماز میانه باشید. و برای الله با فروتنی برخیزید. اگر چهار

پرس هستید پیاده یا سواره نماز بخوانید. وقتی امنیت پیدا کردید الله را باها نظر که به شما یاد داده شده دشمنان را تمیز کنید ذکر کنید.» آیه ۱۰۱ سوره ۴ میفرماید: **«وقتی سفر میکنید و میترسید که افرادی با ایمان صدقه ای به شما نزنند اشکالی ندارد که از نماز خود کم کنید. چون افرادی با ایمان دشمن شما هستند.»**

آشنائی با قرآن ۶۸

خداوند در آیه ۸۳ تا ۱۸۷ بقره میفرماید:

کُتِبَ عَلَیْکُمْ وَاجِبٌ عَلَیْکُمْ بِرُوحِکُمْ

روزه:

صوم = روزه گرفتن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ،
كَمَا كُتِبَ عَلَی الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.

ای افراد با ایمان روزه بر شما واجب شد،

مانند آنکه بر کسی که قبل از شما بودند واجب شده بود، ماسط بر نفس شوید.

می بینیم که خداوند در این آیه که بعد از مهاجرت پیغمبر از مکه به مدینه نازل شده، روزه را بر مسلمانان واجب کرده و علت آن را مسط شدن بر نفس (تقوی) بیان کرده.

تقوی نگهداری و حفظ کردن خود یا تسلط بر نفس است. خداوند در آیه ۱-۲ بقره در مورد حکای افراد با ایمان میفرماید: **مِنْهُمْ مَن يَقُولُ رَبَّنَا**

اِنَّا نِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقَدْ آذَابْنَا نَارًا. «عمده ای از مردم (افراد با ایمان) میگویند: صعب اختیار را در دنیا و آخرت وضع

خوبی مجاهده و ما را از عذاب آتش جهنم حفظ فرما.» می بینیم که این دعای کسی است که به آخرت دلبسته و دوزخ ایمان دارد. **قَنَا** «ما را حفظ کن» (از دوزخ)

کله «لق» و «نا» تشکیل شده «ق» فعل امر و تقاضا و پشیمان است یعنی «حفظ کن» و «نا» معقول آن است یعنی «ما را» همانطور که در آیه ۱۰۰ تحریم بره

عوه میفرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرًا قَدِيدًا وَأَطِيعُوا أَمْرًا قَدِيمًا وَأَطِيعُوا أَمْرًا قَدِيمًا وَأَطِيعُوا أَمْرًا قَدِيمًا.** «ای افراد با ایمان خودمان و خانواده مان را از آتشی که

سوزت آن آن است و دشمنان است حفظ کنید.» مسلمان با ترمین یک ماهه روزه در ماه رمضان که از پیدایش سپیده صبح تا پیدایش سیاهی شب در ماه رمضان است

خوردن و نوشیدن و مقاربت خودداری میکند با طبیعی ترین خواننده ای بدن خود مبارزه میکند تا تسلط نفس لازم را برای جوگیری از خواننده ای بیجا و غیر ضروری بد

خداوند در آیه ۱۸۷ بقره میفرماید:

بیدکنند چون:

أَحَلَّ لَكُم لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّثِيثَ إِلَى نِسَائِكُمْ. هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ، وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ، عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ،

فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ؛ فَإِنَّ بَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ بَاشِرُوهُنَّ؛ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَبْتِئِينَ لَكُمُ الْحَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ

الْحَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ؛ ثُمَّ انْمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ. وَلَا بَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ مَخْلُوفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ.

شب ماه رمضان همچو اگلی بازمانان برای شما حلال شده (یعنی روزه با جواز عیال نیست) آنها لباس (پوشش) شاد و لباس آنها هستند برای هم و تکمیل خانواده ساخته شده ایما الله میدانت که شما بخردان حیانت میکردید (منتوا سیدة جلوی خود را بگیرید) لذا با زکات (نوب) شما را پذیرفت و شمار بخشید. بنابراین حالات با زمانتان همچو اگلی کنید و آنچه خداوند برای شما نوشته بچوبید؛ و بخورید و بنوشید تا مرتعی که خط سفید سپیده دم از خط سیاه شب (در افق مشرق) پیدا شود. بعد روزه را تا شب (پیدایشن سیاهی شب در افق مشرق) ادامه دهید و کامل کنید؛ در صورتیکه برای عبادت ساکن مسجد شده اید شبها هم از همچو اگلی بازمانان خود داری کنید.

می بینیم که روزه نخوردن و نیات میدان و همچو اگلی نکردن بازمان در طول مدت روز از پیدایش سپیده سحری تا پیدایشن سیاهی شب در افق مشرق در ماه رمضان است

چون خداوند در آیه ۱۸۵ بقره میفرماید:

شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن، هدی للناس و بینات من اللہ فی الذل الفرقان؛ فمن شہد منکم الشرف فلیصمه. و من کان مریضا او علی سفر فعدّه من ایام اخر. یرید اللہ بکم الیسر ولا یرید بکم العسر، و لتحملوا العدّه، و لتکرر اللہ علی ما یدعونکم، و لتعلمن انکم کونتم مریضاً او علی سفر فعدّه من ایام اخر. یرید اللہ بکم الیسر ولا یرید بکم العسر، و لتحملوا العدّه، و لتکرر اللہ علی ما یدعونکم، و لتعلمن انکم کونتم مریضاً او علی سفر فعدّه من ایام اخر.

ماه روزه گرفتن در ماه رمضان است که قرآن که راهنمای مردم در دلیل های روشنی از هدایت و جداکننده حق و باطل است در آن نازل شده؛ بنابراین هر کس از شما که در ماه بود و در سفر نبود باید روزه بگیرد. و کسی که مریض یا در حین سفر بود باید (روزه خود را بخورد) و از روزهای دیگر سال بجای آن آن روزه بگیرد. الله برای شما آسانی را میخواهد دستخوری را برای شما میخواهد، و برای اینکه عده روزهای ماه رمضان را کامل کنید، و الله را برای اینکه شما هدایت کرده تکبیر بگوئید (بزرگ سازید) و برای اینکه سپاسگزاری خداوند را بکنید.

خداوند در آیه ۱۸۴ بقره میفرماید:

ایما معدودات. فمن کان منکم مریضا او علی سفر فعدّه من ایام اخر. و علی الذین یطیعون فدیة طعام مسکین. فمن تطوع خیرا فهو خیرا و ادان تصوموا خیرکم، ان کتمت علیکم.

روزه روزهای معینی است (به اندازه روزهای ماه رمضان). بنابراین اگر کسی از شما مریض یا در حین سفر بود بجای آن از روزهای دیگر روزه بگیرد. کینه طاقت دارند بجای آن باید یک فقیر تمییزت را بکنند. کسی که میل به بیکی (بیر کردن فقیر) داشته باشد برای او خوب است و اگر از حقیقت اطلاع داشته باشید روزه گرفتن برای شما بهتر است. «یطیعون مطابق کتابت و حدیث طاقت داشتن است و این دستور فقط مستحق به روزهای روزه ای است»

آشنائی با قرآن ۶۹

مسجد:

اسس = پای، اسساک
خداوند در آیه ۸، ۱۰ و سوره ۹ میفرماید: **دراهن اعقول** بوده = حق تر

لَسَيِّدُ اسْسِ عَلَى التَّقْوَى مِنْ اَوَّلِ يَوْمٍ اِحْتِ اَنْ تَقُوْمَ فِيْهِ، **بایستد در آن**

فِيْهِ رِجَالٌ يُحِبُّوْنَ اَنْ يُّطَهَّرُوْا وَ اَللّٰهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِيْنَ. **رجل = مرد**

بدن شکست خورده است در مسجدی که از روز اول بر پایه تقوی نباشد به نماز بایستی.

مردانی در آن هستند که دست دارند پاک باشند، و الله پاکان را دوست دارد.

مسلمان واقعی در مسجدی نماز نمیخواند که محل تجمع افرادی است که میخواهند پاک باشند. بهنشینی با چنین افرادی حس تقوی و تسلط بر نفس دشواران پاکی بودن را در این زنده و تقویت میکند. چون «خوید ریاست نفس انسانی» «با بدان کم نشین که صحبت بد کس چه پاکی تو را بلید کند.» این آیه در آیه ۷، ۱۰ و سوره است که خداوند در آن میفرماید:

الَّذِيْنَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفَرُّقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِيْنَ، وَ اَرْضَادًا لِّلْمُنَافِقِيْنَ، وَ لِيُخَلَّفُنَا فِيْ اَرْضِنَا اِلَّا الْحَسَنِيَّ، وَ اَللّٰهُ يَشْهَدُ اِنَّهُمْ لَكَافِرُوْنَ؛ لَاتَقُمْ فِيْهِ اَبَدًا. «افرادی که برای ضرر زدن دیگران تفرقه انداختن بین افراد با ایمان دوست

کردند تا کینه گامی برای افرادی که قبل با الله دشمنی میکنند زنده باشد قسم میخورند که نظرشان خیر است، در حالی که الله شهادت میدهد که آنها دروغ میگویند، هیچگاه در آن مسجد نماز نخوان.» چون باعث تفرقه مسلمانان خواهد بود. آیه ۱۸ جن سوره ۷۲ میفرماید: **وَ اَنْ الْمَا جِدَلِيْهِ دَلَاةٌ عَوَّا**

مَعَ اللّٰهِ اَحَدًا. «مسجد با مال خداست و به خدا اختصاص دارد؛ بنابراین هیچکس را با خدا نخواند.» چون آیه ۳-۶ تا ۱۰۶، ۱۰۷ سوره ۱۰ میفرماید:

قُلْ يَا اَيُّهَا النَّاسُ اِنْ كُنْتُمْ فِيْ شَكٍّ مِّنْ دِيْنِيْ، فَلَا اَعْبُدُ الَّذِيْنَ تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ؛ وَ لَكِنْ اَعْبُدُ اللّٰهَ الَّذِيْ يَتَوَقَّعُ مِنْكُمْ. وَ اَمْرٌ مِّنْ اَنْ اَلُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ. «بگو ای مردم اگر در مورد دین من چهار شک هستید، بدانید که من بندگی کسی را که غیر از الله بندگی میکنند نمیکنم. بلکه بندگی الله (خدا) را میکنم که جهان شمار میکند؛ و بمن دستور داده شده که از افراد با ایمان باشم. و آن اتم و جهت لدين حنیفا و لاکن من الشریکین و بمن دستور داده شده که به آئین توحید رو آورم و از افرادی که مشرک هستند کس دیگری را کنار خدا قرار میدهند) نباشم. و لا تتبع من دُونِ اللّٰهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَ لَا يَضُرُّكَ. **حق گفته است**

فَاِنْ فَعَلْتَ فَاِنَّكَ مِنَ الظَّالِمِيْنَ. و کسی را که نفع و ضرری برای من ندارد با الله به کمک نمیخورم چون اگر چنین کاری کنم از شما کاران خواهیم بود.»

آیه ۱۱۴ بقره میفرماید: **مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ سَاجِدًا لِلَّهِ أَنْ يَذُكُرَ بِهَا اسْمَهُ وَرَدَّ عَلَىٰ فِي خَرَابِهَا؟** «چه کسی ظالم تر از کسی است که مردم را از اینکه نام

خداوند در آن ذکر شود منع میکند و سعی در خرابی آنجا میکند؟ آیه ۲۹ اعراف سوره ۷ میفرماید: **قُلْ أُمِرْتُ بِالْقِسْطِ، وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ**

وَأَرْحَمُهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ. «بگو صاحب اختیار من دستور به اجرای عدالت داده در برابر نماز و هر مسجدی روبرو آورید و در حالی که دین را خالص میکنند دعا

کنید (اورا به کمک بخوانید) ۲۰، و آیه ۳۱ اعراف میفرماید: **يَا أَيُّهَا آدَمُ خُذْ ذَاكِتُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ.** «ای فرزندان آدم موقع نماز در هر مسجدی بالباس تشریف

بکشید. آراته باشد. **مَسْجِدٌ** یعنی «محل سجده» و «زمان سجده» مسلمانان فقط در مقابل خداوند حس و ابراز کوچکی میکنند و بجا می افتند و ابراز کوچکی میکنند

مسجد برای این است که کسی که «میخواهند پاک باشند» در آن جمع شوند و بایدها هم و تعداد هم فکران خود نیروی بیشتری حس کنند در ادامه و اجرای تقسیم خود

مصمم تر شوند و از خداوند خود بخوانند که راه راست را به آنان نشان دهد و تمهید کنند که فقط و فقط بندگی یعنی اطاعت محض او را میکنند و از هر زمان یا کسی که بر

خداوند فرمان او دستوری برسد اطاعت میکنند. اما متأسفانه در اثر انحراف دین که از ترس قدرتمندان و بیست دکانداران دینی صورت گرفته مسجد حالت خود را

از دست داده. این وظیفه مسلمانان واقعی است که با حضور خود در مسجد در آبادانی آن بکوشند و با طرح آیات قرآن مردم را متوجه سخنانی که در نماز خود میکنند

بکشند و به آنها بفهمانند که وقتی میگویند **اللَّهُ أَكْبَرُ** باید سعی کنند دنیا را بیازند که در آن «مدح و ثنا و ستایش فقط و فقط مخصوص به خداوند داشته باشد. این با

باید سعی و مدح و ستایش خود از انسان با مدح و ثنا گویند و بتنه زنده وقتی میگویند **إِنَّا لِلَّهِ** توجیه داشته باشند که به خداوند میگویند: «فقط و فقط تو را

بندگی یعنی اطاعت محض دینی چون در چه میکنیم فقط در مقابل تو خود را کوچک میدانیم و اظهار کوچکی میکنیم. و این تمهیدی است که هر روز تکرار میکنند و وظیفه دارند که

دنیا را بیازند که در آن آن فقط و فقط در مقابل خداوند حس و ابراز کوچکی کنند و فقط از توانش خداوند بیروی کنند و از هر دستوری که از مقامی و زمانی

برخلاف فرمان خداوند صادر شود بیروی و اطاعت نکنند و بدانند اینکار جز با تمام بیکارستان واقعی و اصلاح طلبان حقیقی و کوشش در این راه محلی نیست

آیه ۱۸ توبه سوره ۹ میفرماید: **إِنَّمَا أَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ أَمَنِ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ، وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا اللَّهَ،**

فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ. «مسجد الله را فقط کسی آباد میکنند که ایمان به الله در روز آخرت داشته باشد و نماز را با یاد خداوند زکات

بدهند، از هیچکس غیر از الله ترسند. چه بسیار امکان دارد که چنین افرادی از هدایت شدن بازنه باشند. آری کسی که مسجدی را آباد میکنند که ایمان به

الله در روز آخرت داشته باشند بدانند روز جزا پیش است و کسی در آن روز دستکار هستند که احکام خدا را انجام داده باشند و با مال و جان خود در راه رضای پاکیش

کرده باشند.

آشنائی با قرآن ۷۰

جماعت:

خداوند در آیه ۴۳ بقره سوره میفرماید:

اقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَادْعُوا مَعَ الرَّالِئِينَ

نماز را با دارید زکات بدهید و با رکوع رندگان برکوع بروید.

خداوند در این آیه دستور نماز جماعت را میدهد. نماز جماعت غیر از همفکری و همکاری نشانه‌ها هکلی مسلمانان و اتحاد و همبستگی آنان است. چون با گفتن قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ «نماز برپا شد» همه برپا می‌نیزند و با گفتن اللَّهُ الْبَرُّ الْكَرِيمُ الْإِلَهَ الْأَعْرَافِ یعنی اللَّهُ الْبَرُّ مَلِكٌ يُدَبِّرُ الْأُمُورَ و «خداوند مهربان و بخشنده است» همه با هم می‌نیزند و با هم با گفتن سَلَامٌ وَاللَّهُ الْأَكْبَرُ نماز را تمام می‌کنند. این هماهنگی را در روزه و نماز و حج نیز می‌بینیم. این همفکری و همکاری و هماهنگی برای پیشبرد دین و عملی شدن دین در سراسر جهان شرط لازم دینی است. چون همانطور که طی این ۷۰ بکت دیدیم دین بخوبی دنیا بی‌بزرگ در آن اثری از ظلم و فساد و فقر و جهل و خرد شدن شخصیت انسان با نباشد و مسلمانان باید در راه سخن چنین دنیائی متوجه آبا مال و جان خود جهاد و کوشش کنند و از هرگونه تفرقه و خردی در این راه برکنار باشند و در جزئیات بر رفته‌ای از دینداران باید مطابق کتاب الهی خود عمل کنند و در پیشی گرفتن در کارهای خیر با هم سبقت دهند و دیگران را با پند و اندرز نینگو و با بهترین روش به همکاری در این راه دعوت کنند و نیردی لازم را با اتحاد خود با تمام دینداران جهان فراهم کنند تا بتوانند با قدرت تمام از ظلم و فساد و فقر و جهل و خرد شدن شخصیت انسان جلوگیری کنند و توبه داشته باشند که آن طبیعتاً موجود زنده‌ای با تمام غرائز حیوانی هستند که میخواهند همکاری گران‌خواست بکنند و هر دوتوری که دارند مطابق میلشان عملی شود. آنان که قدرت یافته‌اند این نوری انسانی را نشان داده‌اند و می‌دهند. لذا بدن متوجه سخن انسان با به این اصل سبسی جاهلانه کاری میکنند که آخر کار از کرده خود پشیمان شوند چون «خداوند وضع قومی را تغییر نمیدهد مگر اینکه خود آن قوم طرز فکر و رفتار و کار خود را عوض کنند». لذا میدانند باید با اتفاق تمام دینداران عالم دست بست هم دهند و دنیای پاکتی که دین میخواهد بزند و برای ایکنار باید بدشان این باشد که تمام افراد بشر را متوجه این هدف بکنند و ارزش ایکنار را به آنها خاطرنشان کنند و با اتفاق هم در تزکیه نفس عاقلانه نگوشند و طبیعت حیوانی انسان و حقایق جهان را به آنها بنگاهند. البته حقایقی که برای سخن چنین دنیائی لازم است، امکانات و موانع ایکنار را یاد آوری کنند و افراد را از تنزدی‌های جاهلانه باز دارند. در این کوشش و جهاد این مبارزه باید ارزش همفکری و همکاری و هماهنگی را از یاد نبرند و هدف را با خاطر جزئیات فدای کنند و تاریخ گذشته را فقط درس عبرتی برای جلوگیری از اشتباهات آینده بررسی کنند.

سعی یعنی تلاش و سعی در بیان حسرت

خداوند در آیه ۹ سوره جمعه میفرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ

ای افراد با ایمان وقتی ندای نماز جمعه داده شد به ذکر خدا (الله) بشتابید و خرید و فروش را رها کنید.

نماز جمعه نمایش باشکوه هفتگی مسلمانان است که هم به تفکری هم به کاری هم به همتی آنان را به بهترین وجه نشان میدهد. از یکطرف مسلمانان را متوجه میازد که کاری که میخواهند یک دنیای پاک سازند در اجتماع کم نیستند. و از طرف دیگر، دیگران را متوجه تعداد آنها در روح به تفکری و همکاری و همتی آنها میازد و کاری را که امید سخن یک دنیای پاک سازند را میزاد و میگوید تا بصف آنان پیوندند در نماز جمعه و خطبه (دو سخنرانی) توسط امام جمعه صورت میگیرد و گزارش هفتگی از وضع مسلمانان و وظایفی که پیش دارند برای آنها شرح داده میشود. این دو خطبه بجای دو رکعت نماز است. اگر مسلمانان واقعاً با قرآن آشنا باشند و هدف دین و وظیفه شخصی خود را در مقابل آن بدانند در مدت کوتاهی کشت به یک قرن نرسد میدانند چهره جهان را عوض کنند. ولی متأسفانه اسلام نیز مثل ایران دیگر بصورت تشریفات خشکی درآمده که بیشتر آنها با روح و تقالیم اسلام مغایرت دارد و برخلاف اسلام و هدف تقالیم واقعی اسلام است. اگر مردم دین فری بود لزومی نداشت که مردم در کنار هم نماز جماعت و نماز جمعه بپا دارند. و در کج خانه توجه بیشتری میتوانستند به خداوند و نماز خود داشته باشند.

حج

خداوند در باره تجمیع سالانه مسلمانان در آیه ۹۷ آل عمران میفرماید:

لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا

حج خانه کعبه برای خدا، بر کسی که توانائی رفتن به آن را دارد واجب است.

در مراسم حج مسلمانان از سر امر دنیا با شکوه و عزت و زبان کلامی و لایحه های گوناگون در روزهای معینی در هم جمع میشوند و با همکاری و همتی کامل کارائی را انجام میدهند. اگر این سیل عظیم انسانی از هدف دین اطلاق داشته و میباشند چه میخواهند و این نمایش باشکوه برای چیست قرن پیش ریشه ظلم و فساد و فقر و خرد شدن شخصیت انسان ها کشته شده بود ولی از یکطرف خود خواهی فرعونان و از یکطرف جهل عامه مردم از اینکار جلوگیری کرد مسلمانان واقعی که دین واقعی و هدف عالی آن را میدانند باید با آگاه سخن و متحد گردن تمام دینداران عالم دنیای پاکی که دین میخواهد بپا دارند.

آشنائی با قرآن ۷۱

خداوند در آیه ۲۱ اعراب سوره ۳۲ میفرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ

برای کسی که از شما که امید به الله در روز آخرت دارند در طرز کار پیغمبر خدا بهترین مترسق وجود دارد.

پیغمبر ص کا خود را در محیط شرک آلود عربستان از صفر شروع کرد و قدم به قدم پیش رفت و تمام مخالفت ها و ناراحتی ها را تحمل نمود و وقتی از دیار رفت از تمام خانه ها

خبرهای چاروشنیدان صدای لا اله الا الله محمد رسول الله بلند بود. این مترسق نبود در طرز مبارزات و استقامت پیغمبر ص بود چون از آیه ۹ سوره اعراب

دوباره بخت اعراب صحبت میکند و منزل شدن افراد با ایمان التسم با شکی مخالفان و کار منافقان سخن میگوید. در آیه ۲۰ تا ۲۲ اعراب میفرماید:

«خیال میکنند که دستجاتی (که برای جنگ آمده بودند) هنوز زنده اند. و اگر این دستجات دوباره بیایند دست دارند که در میان صحرا بین چادر شنیدان

باشند و اخبار شما از دیگران پرسند. اگر در بین شما بودند جزکی در جنگ شرکت نمیکنند. برای کسی که امید به الله در روز آخرت دارند و الله را

زیاد ذکر میکنند در طرز کار پیغمبر خدا مترسق نبود وجود دارد. افراد با ایمان وقتی اعراب را دیدند گفتند این همان چیزی است که الله و پیغمبر ص به ما

دعده میدادند. الله و پیغمبر ص را ت میگفتند و ایما فقط بر ایمان تسلیم آنها اضافه کرد.» این مترسق همانطور که می بینیم در استقامت و روشن بینی

در مبارزاتش میباید و در پشت کوفت و خوراک و تنفر از اوسان او نمیشد. میدانیم که خداوند در این مبارزات راههای پیغمبر بود.

مسلمان واقعی از استقامت و طرز مبارزه پیغمبر ص مترسق میکند و در هر زمانی حساب موقعیت و امکانات و موانع خود و مسلمانان را میکند و برای بط

«کترش» دین در جهان اقدام میکند و از اوسان عرضی که در اختیار دارد کامل استفاده میکند سعی میکند بیدار سازی و آگاه سازی دیگران آنها را بفرستد

یک دنیای پاک بیدارد و آنها را متوجه زد که بدون همکاری و همکاری و هماهنگی ختن یک دنیای پاک امکان ندارد و این همکاری فقط دوباره هدف باید

باشند در خیریات چون هیچ دنیای در جهان وجود ندارد که در کلیه خیریات مثل هم فکر کنند. و آدم های عاقل هدف بزرگ بین یعنی ختن یک دنیای

پاک را فدای خیریات نمیکند. چون خداوند دانا و حکیم در آیه ۱۸ و ۱۹ سوره اعراب میفرماید: لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً. وَلَا يَزَالُ

مُخْتَلِفِينَ. اللَّهُمَّ رَحِمَ رَحِيمِكَ. وَلِذَلِكَ خَلَقْتَهُمْ. «اگر صاحب اختیار تو میخواست مردم را یک امت میساخت. ولی مردم همیشه با هم اختلاف نظر دارند.
چون کسی که صاحب خیرات به آنها رحم کرده باشد. و آنها را برای همان آفریده است.» چون بدان قدرت فهم دشواری است و این فهم دشواری نیز از آن
است که می بیند، بشنود، بخواند، همیشه، بویستد و بدینش میرسد و لمس میکند و تصوراتی است که میکند. و چون هیچ دو نفری در جهان وجود ندارند که تمام چیزها را
مثل هم دیده و شنیده و خوانده و چشمیده و بوئیده و لمس کرده باشند و درباره آنها فکر و تصور کرده باشند همه با هم اختلاف نظر دارند. لذا مسلمان واقعی میدانند باید در هدف
اصولی دین یعنی رستن یک دنیای پاک با هم همکاری داشته و همکاری در آنها هستی کند. چون قرآن در آیه ۳۸ مائده سوره میفرماید: لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ فِرْقَةً وَ
مِنْهَا جَاوِلَاتٌ وَاللَّهُ لَجَدِيدٌ أَعْمَارًا وَذَلِكَ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ آيَاتِهِ فَاسْتَبِقُوا الْحِرَابَ. «خداوند برای هر یک از شما پیوسته فرقه‌ها را میسازد و میان آن راه درمی
قرار داده است. اگر خدا میخواست شما را امت واحدی میکرد. ولی میخواهد شما را در همان چیزی که بشمارده امتان کند (پیوندان را با تورات، میمان را با انجیل و مسلمانان را با
قرآن) بنا بر این در کارهای خیر با هم مسابقه دهید و از هم جلو بزنید.» میدانیم که شراب در سال آخر عمر پیغمبر «پلید و عمل شیطانی» معرفی شد و مسلمانان
موظف با اجتناب از شراب بخاری شدند. چون آیه ۹۰ مائده که آخرین سوره ای است که پیغمبر وحی شده این دستور را میدهد و میدانیم دستور و صدور آیه سوره
مائده آمده است یعنی دستور و صدور سال آخر عمر پیغمبر نازل شده و مسلمانان موظف به دستور و رستن شدند. حال آنکه گفته اند درباره آن چه صحابی بی راه انداخته
مسلمانان را از هم جدا دشمن هم کرده اند در صورتیکه خداوند در این آیه میفرماید: مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ، وَذَلِكَ لِيُطَهِّرَكُمْ... «اللَّهُ
نمیخواهد برای شما درد سردی و سختی فراهم کند بلکه میخواهد شما را تمیز و پاک کند...» خداوند در سوره دستور امر معروف و نهی از منکر دادند دستور جهاد و دستور روزه اینها را
بسیاری از احکام در مدینه پس از اینکه دولت شرع اسلامی بوجود آمد داده شد میدانیم که در سوره خداوند در سوره کافرون سوره ۱۰۹ میفرماید: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
كُفِّرُوا بِلَدِكُمْ لِيُدِينَكُمْ بِدِينِ اللَّهِ. «دین شما برای شما و دین من برای من.» دلی آنها دست بردار نبودند. میدانیم که پیغمبر پس از ورود به مکه با یهودیان پیمان بست
که مزارع هم نژاد و در دفاع از مدینه متحداً شرکت کنند. و این پیمان را با یهودیان شکسته پیغمبر محترم داشت. میدانیم که در سال ششم هجرت پیغمبر ص با مشرکین
مکه پیمان بست که مزارع هم نژاد و بدینکاران علیه یکدیگر جنگ نکنند. و پیغمبر ص احکام این پیمان را داشت تا وقتی که مشرکان پیمان شکنی کردند.
مسلمان میدانند در جاهایی که مسلمانان در اقلیت هستند نمیتوانند حکم جلوگیری از شترانجاری و شتر سبفروشی را اجرا کنند یا دزد و مغفین را که باعث
آلودگی اجتماع هستند مجازات کنند. مسلمانان واقعی میدانند با متهمین خشن مسلمانان و تمام دینداران و اصلاح طلبان واقعی جهان باید یک دنیای پاک بسازند.

آشنائی با قرآن ۷۳

اسلام:

اسلام یعنی خود را تسلیم خدا کردن.

خداوند در آیه ۱۱۲ بقره سوره ۲ قرآن میفرماید:

بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ، فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ، وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

«آری کسی که خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد، پاداشش بیش صاحب خبیثان محفوظ است نه ترسش دارند نه غصه ای.»

می بینیم که اسلام در اصطلاح دین خود را تسلیم خدا کردن (یعنی تسلیم خدا شدن) است. اسلام یک حرف نیت اسلام عمل است نه ادعا.

خداوند در آیه ۲۳ لقمان سوره ۳۱ قرآن میفرماید:

مَنْ يَسْلُمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ، فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ.

«کسی که خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد به دستاورد محکم پیوسته.»

(اسم شرط فعل مضارع)
(بعد خودش را محذوم جمله)
(یعنی حرف آفرین سالی)
میباشد

خداوند در آیه ۳۴ حج سوره ۲۲ قرآن میفرماید:

الْهَمُّ لِلَّهِ وَالْحُجَّةُ، فَلَهُ اسْلَمُوا، وَيَسِّرِ الْمُحْسِنِينَ.

«معبود شما معبود یگانه ای است. بنا بر این تسلیم او باشید. و به افرادی که بگردانند شکرده به.»

خداوند در آیه ۸۳ آل عمران سوره ۳ میفرماید:

أَفَعِدُّونَ اللَّهَ يَعْبُدُونَ؟ ذَلِكُمْ أَسْلَمٌ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا، وَإِلَيْهِ مُرْجَعُونَ.

«آیا دنبال دینی غیر از دین خدا میگردند؟»

در صورتیکه تمام کلماتی که در آسمانها و زمین هستند با میل یا بدون میل تسلیم او هستند، پیش او برگردانده میشوند.

همه خواهم ناخواه مطابق میل و اراده خداوند کار میکنند. چون تمام قوانین جهان مطابق میل و اراده خداوند در جهان گذاشته شده. اگر بیاورید مطابق اراده

دخواست خداوند است. چون او این خاصیت را بآبیاه دارد. اگر خود را میبخشد مطابق اراده خداوند است چون او خاصیت خشنودگی را به چیزی که ملتفت است و

و میوز داده است. اگر آب روان است این خاصیت را او به آب داده است. اگر آن فکر میکند، این قدرت را خداوند به او داده است. اگر انسان تقسیم
کار میگیرد این اختیار را خداوند به او داده است. لذا خداوند به این اختیار توانائی فکر کردن و تقسیم گرفتن کردن کاری یا نکردن آن را داده و این را همان آفرین

خداوند در آیه ۱۲۵ سوره بقره میفرماید:

مَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ؟
«دین چه کسی بهتر از دین کسی است که خود را تسلیم خدا کرد (مؤمنان را)؟»

تمام پیغمبران مسلمان بودند

خداوند در آیه ۱۲۴ انعام به پیغمبر ص میفرماید:

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَلُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ، وَلَا تَلُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ
«به من دستور داده شده که بشیر از همه تسلیم خدا باشم و از افراد مشرک نباشم.»

خداوند در آیه ۶۷ آل عمران سوره میفرماید:

لَمَّا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا دَلَّاهُ لِنَصْرَانِيَّةٍ، وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا، وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ
«ابراهیم نه یهودی بودند مسیحی ولی موحد و مسلمان بود و مشرک نبود.»

خداوند در آیه ۱۳۲ بقره سوره میفرماید:

وَصِيًّا بِهَا إِبْرَاهِيمَ نَبِيًّا وَيَعْقُوبَ، يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ، فَلَا تَمْرُقُوا مِنْهُ إِلَّا أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ
«ابراهیم و یعقوب فرزندان را به مسلمان بودن سفارش کردند،

و گفته: فرزندانم، خدا برای شما دین را برگزیده. بنابراین فقط در حال مسلمانان از دنیا بروید.»

نوح و موسی و یونس و عیسی (ع) نیز همگی مسلمان یعنی تسلیم حکم خداوند بودند. آیه ۷۲ بقره، ۱۰۱ یوسف، ۵۲ آل عمران

و ۱۱۱ مائده سوره ۵ نگاه کنید.